

## شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران\*

دکتر سید محسن حبیبی\* - هادی سعیدی رضوانی\*\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۵/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۴/۱۱/۱

### چکیده:

مشارکت، در حال حاضر، جایگاه مهمی در نظریه‌های شهرسازی یافته است. شهرسازی مشارکتی، رویکردی است که در کشورهای پیشرو در امر مشارکت، همپای مشارکت سیاسی و اجتماعی، به پیش می‌رود. در این مقاله، با بررسی برخی از مهم‌ترین نظریه‌های شهرسازی مشارکتی، با توجه به شرایط ایران تلاش شده است تا به انگاره‌ای تلفیقی دست‌یابیم تا به وسیله آن، بتوان هم نظریه‌های مشارکت را با یکدیگر مقایسه نمود و هم جایگاه ایران را در زمینه شهرسازی مشارکتی مشخص کرد.

انگاره تلفیقی مذکور، ۳ دسته اصلی برای مشارکت تحت عناوین مشارکت شعاری، مشارکت محدود و مشارکت واقعی، ارائه می‌کند. نظریه‌های "شری ارنشتاین" و "دیوید دریسکل" بیان نسبتاً کاملی از اجزای هر سه دسته فوق را عرضه می‌کنند و نظریه میانجی‌گری، با ارائه تعریفی جدید از برنامه‌ریزی مشارکتی و تشخیص مرزبندی دقیق آن با سایر انواع مشارکت، از جمله مشارکت عمومی و مشاوره عمومی، راهنمایی مناسب برای رسیدن به مشارکت واقعی، به‌دست می‌دهد. همچنین سعی شده است تا موقعیت طرح‌های شهرسازی کشور که با عنوان طرح‌های مشارکتی مطرح می‌شوند در این انگاره تعیین گردد. بر این اساس، جایگاه آن‌چه به عنوان طرح‌های مشارکتی، در شهرسازی کشور مطرح است، در انگاره تلفیقی ارائه شده کاملاً منطبق با شرایط مشارکت شعاری تشخیص داده شده است و بیشتر معیارهای ارزیابی مطرح شده در انگاره تلفیقی، طرح‌های مشارکتی کشور را دسته مشارکت شعاری قرار می‌دهد.

### واژه‌های کلیدی:

شهرسازی مشارکتی، نردبان مشارکت، مشارکت شعاری، مشارکت محدود، مشارکت واقعی.

\* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی به راهنمایی دکتر سید محسن حبیبی به مشخصات ذیل می‌باشد:  
سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۴): "شهرسازی مشارکتی برای ساماندهی قلعه آبکوه مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

E-mail: smhabibi@chamran.ut.ac.ir

\*\* استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

E-mail: hadisaeedi@yahoo.com

\*\*\* فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران.

## مقدمه

شهروندان در تمامی امور، مطرح بوده است. این مشارکت به شکلی نامعمول و نامطلوب در حوزه شهرسازی ظهور یافته است به طوری که می‌توان گفت در مشارکتی که اکنون در حوزه شهرسازی کشور مطرح است، مفهوم مشارکت، قلب ماهیت شده است. هسته‌ی مرکزی مفهوم مشارکت، قدرت یافتن شهروندان و تأثیرگذاری بیشتر آنان بر طرح‌های شهری است. آن چه در حال حاضر در طرح‌هایی که با عنوان مشارکتی در کشور اجرا می‌گردد به هیچ وجه ناظر بر این مفهوم نبوده و عمدتاً عبارتست از تأمین اعتبار مالی طرح یا پیش فروش واحدهای احداثی. در این شرایط، لازم است با کاوشی دقیق در نظریه‌های مشارکت، ابعاد و سطوح مختلف شهرسازی مشارکتی را مشخص کرد و بر اساس آن جایگاه واقعی طرح‌های شهرسازی که با عنوان مشارکتی مطرح می‌شوند را تعیین نمود. مفهومی که در این تحقیق از شهرسازی مشارکتی مد نظر است، "مشارکت مردم در ایجاد، اصلاح و اداره محله و محیط مسکونی خود" است که تمایز اصلی آن با سایر انواع مشارکت در ارتباط آن با محیط محلی و شهری می‌باشد. این مقاله، در ۵ بخش، تدوین گردیده است. در بخش اول، نظریه‌های شهرسازی مشارکتی، در مقیاس جهانی بررسی خواهند شد. در این بخش، ۵ نظریه عمده مطرح می‌گردند. در بخش دوم نظریه‌های مورد بررسی، با یکدیگر مقایسه می‌شوند و جمع‌بندی، صورت می‌گیرد. در بخش سوم، انگاره تلفیقی شهرسازی مشارکتی که دربرگیرنده معیارهای ارزیابی نظریه‌های ۳دسته اصلی نظریه‌های مشارکت می‌باشد، ارائه می‌شود. در بخش بعد بر اساس انگاره تلفیقی ارائه شده، نظریه‌های مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و در بخش نتیجه‌گیری نتایج حاصل از کل مباحث مطروحه بیان شده و جایگاه طرح‌های شهرسازی مشارکتی ایران نیز در انگاره تلفیقی مشخص می‌گردد.

مشارکت، مفهوم جدیدی نیست. ریشه‌های مفهوم مشارکت را می‌توان در دولت-شهرهای یونان باستان پی‌جویی کرد. در عصر حاضر، پس از تحولات دوران نوزایی و گذر از سده‌های میانی، همزمان با مهم شدن نقش مردم در جامعه، مشارکت در عرصه سیاست و اجتماع در قالب اعطای حق رأی مساوی به همه شهروندان و حق تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های مدنی مجال ظهور یافت. در حال حاضر، مشارکت شهروندان در امور سیاسی و اجتماعی، اصلی پذیرفته شده در تمام کشورهای توسعه یافته و بسیاری از کشورهای در حال توسعه است. کمیسیون اسکفینگتون<sup>۱</sup> در بریتانیا، مشارکت شهروندان را چنین تعریف می‌کند: "مشارکت به نظر ما، سهمین شدن مردم در تدوین سیاست‌ها و پیشنهادهاست. دادن اطلاعات از طرف مسؤولان و امکان اظهار نظر در مورد آن اطلاعات، بخش مهمی از فرایند مشارکت به حساب می‌آید، اما تمام ماجرا نیست. مشارکت کامل تنها در جایی تحقق می‌یابد که مردم بتوانند نقش فعال در فرایند تهیه طرح بر عهده گیرند" (اوست هویی زن، ۱۳۷۷، ۹۷). از نظر بانک جهانی "مشارکت، فرایندی است که از طریق آن، بهره‌وران<sup>۲</sup>، کنترل خود را بر روند برنامه‌های توسعه و تصمیمات و منابعی که مرتبط با برنامه است، با هم تقسیم می‌کنند"<sup>۳</sup>. اما مدت‌ها طول کشید تا مفهوم مشارکت از حوزه سیاست و فرهنگ، خود را به حوزه برنامه‌ریزی رساند. "مشارکت شهروندان در امور مربوط به شهر و شهرسازی ابتدا در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ در آمریکا شکل گرفت. در این دوره، قوانین متعددی مبتنی بر مشارکت شهروندان تصویب شد که ماهیت فرایندهای تصمیم‌گیری شهری را تغییر داد. مفهوم مشارکت در نیمه دهه ۱۹۶۰ در انگلستان مطرح شد و پس از آن، کشورهای دموکراتیک دیگر از آن استقبال کردند" (اوست هویی زن، ۱۳۷۷، ۹۷). در ایران، در سال‌های اخیر به نحوی فزاینده، سخن از مشارکت

## ۱) نظریه‌های شهرسازی مشارکتی

نوع تقسیم می‌کند:

۱) شیوه‌ی ضد مشارکتی (anti-participatory mode): طرفداران این طرز تفکر معتقد به سرکوب مشارکت توده‌ها هستند. حکومت‌ها اجازه‌ی مداخله و مشارکت همگانی در تدوین سیاست‌ها را که ممکن است با اهداف کلان اجتماعی و اقتصادی آن‌ها تعارض پیدا کند، نمی‌دهند (به نقل از ازکیا و غفاری، ۱۳۸۲، ۱۶۴).

۲) شیوه‌ی مشارکت هدایت شده (manipulated mode of participation): در این شیوه، دولت از مشارکت اجتماعات محلی با انگیزه‌های پنهانی، حمایت می‌کند. مشارکت اجتماع محلی، در این شیوه، به منظور کنترل سیاسی-اجتماعی، با علم به این که مشارکت،

نظریه‌های متعددی در زمینه برنامه‌ریزی مشارکتی و شهرسازی مشارکتی از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ به این سو، مطرح گردیده است. بیان تمامی نظریه‌های فوق از حوصله مقاله حاضر، خارج است، از این رو ۵ نظریه اصلی، در این جا تشریح می‌گردد. ملاک انتخاب این نظریه‌ها، میزان نوآوری و خلاقیت، استحکام نظری و تأثیرگذاری بر نظریه‌های بعدی می‌باشد. لازم به ذکر است که نظریه دریسکل و نظریه میانجی‌گری، برای اولین بار، در این مقاله، به زبان فارسی مطرح می‌گردند.

### ۱-۱) جیمز میجلی (James Midgley (1986)

میجلی بر مبنای پاسخ دولت‌ها به مشارکت، آن را به چهار

تکلیف روشن شده است (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰، ۴۴).

در پله‌ی بعدی شکل دیگری از عدم مشارکت معرفی می‌شود. که در **همان**، نام گرفته است. این نوع عدم مشارکت، هم غیرصادقانه و هم خودخواهانه است. در این جا، هدف، پیدا کردن راه چاره‌ای برای رد کردن دیدگاه‌ها و رفتارهایی است که سازمان مربوطه، خودش با آن موافق نیست، اما نمی‌تواند این مسأله را آشکارا بیان کند؛ لذا در زیر پوشش نظرخواهی از شهروندان، آن دیدگاه‌ها را رد می‌کند (همان، ۴۵).

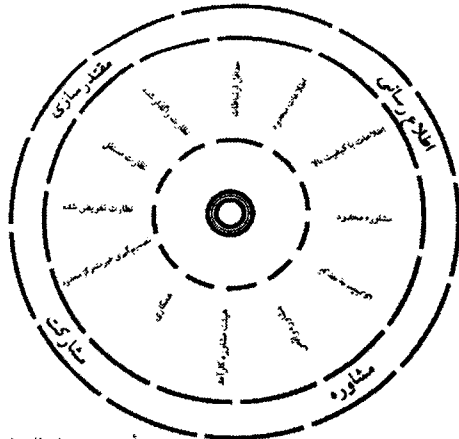
پله‌های دیگر این نردبان، **اطلاع‌رسانی و مشاوره** است. این مرحله به معنی آگاه کردن شهروندان از حقایق موجود در مورد برنامه‌های حکومت و حقوق و مسؤولیت‌های آنان و راهکارهایی موجود است. اطلاع‌رسانی، مشاوره و کسب نظر شهروندان، در صورتی که واقعی باشد و جریان اطلاعات، یکسویه نباشد، می‌تواند مفید باشد (همان).

### ۳-۱) اسکات دیویدسون (1998) Scott Davidson

اسکات دیویدسون در سال ۱۹۹۸، **گردونه‌ی مشارکت** را برای بحث مشارکت شهروندی طراحی کرد. این گردونه، سطوح مختلفی از مشارکت را بدون این‌که ترجیحی برای هیچ‌یک قائل شود، ارائه می‌کند. در این مدل، تصمیم‌گیری در تعاملی مستمر بین دولت و شهروندان صورت می‌گیرد (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰، ۴۷). هرچند که دیویدسون برای سطوحی که برای مشارکت بیان می‌کند، تقدم و تأخر و ترتیب خاصی قائل نیست و اساساً به همین دلیل از استعاره‌ی **گردونه** به جای نردبان استفاده می‌کند، اما به‌رحال سطوح چهارگانه‌ای برای مشارکت، در نظر دارد که عبارتند از:

۱) اطلاع‌رسانی (۲ مشاوره (۲ مشارکت (۴) توانمندسازی

نمودار ۱: گردونه مشارکت دیویدسون



مأخذ: شریفیان ثانی، ۱۳۸۰، ۴۶.

### ۴-۱) دیوید دریسکل (2002) David Driskell

دریسکل در اثر خود با عنوان "شهرهایی بهتر همراه با کودکان و نوجوانان (راهنمایی برای مشارکت)" که توسط **یونسکو** به چاپ رسیده، مباحثی در رابطه با مشارکت و انواع آن طرح می‌کند. وی معتقد است، مشارکت بر سه **اعتقاد** ذیل مبتنی است: الف) توسعه، در وهله اول و پیش از همه، باید به نفع ساکنان

اجرای طرح را تسهیل می‌کند، به کار می‌رود (به نقل از همان، ۱۶۶). در مجموع، دولت‌ها، با بهره‌گیری از شیوه‌ی مشارکت هدایت شده اهداف زیر را دنبال می‌کنند:

- استفاده ابزاری از مشارکت، برای اجرای طرح‌های عمرانی
- کنترل جنبش‌ها و اجتماعات محلی
- استفاده از جاذبه‌ی مشارکت برای کسب مشروعیت سیاسی- اجتماعی

### ۳) شیوه‌ی مشارکت فزاینده (Incremental mode of participation)

در این شیوه، دولت در برخورد با مشارکت، به‌شکلی دوگانه عمل می‌کند؛ به این ترتیب که در موضع‌گیری‌های رسمی از آن حمایت می‌کند، اما عملاً در مسیر تحقق پیشنهاد‌های مشارکتی اقدام مؤثری انجام نمی‌دهد (به نقل از همان، ۱۶۸).

### ۴) شیوه‌ی مشارکت واقعی (Genuine mode of participation)

این شیوه، دولت، به طور کامل از مشارکت اجتماعی حمایت می‌کند و از طریق ایجاد سازوکارهایی برای ورود مؤثر اجتماعات محلی در تمامی زمینه‌ها، تلاش می‌کند. در این شیوه‌ی مشارکتی، دولت، علاوه بر ایجاد نهادهای اصیل محلی، متعهد به فعالیت‌های مشارکتی از طریق آموزش و تقویت اجتماعات محلی، تدارک مواد و دیگر اشکال کمک و نیز ایجاد هماهنگی در تصمیمات مرکزی، منطقه‌ای و محلی می‌باشد (به نقل از همان، ۱۶۹).

### ۲-۱) شری ارنشتاین (1996) Sherry Arnstein

در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی، نقش مشارکت شهروندان در جوامع، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. ارنشتاین در مقاله‌ای که برای اولین بار در ۱۹۶۹ منتشر شد، مفهوم مشارکت را به نحوی روشن سطح‌بندی و تبیین نمود. مقاله وی بعدها به‌طور مکرر مورد استفاده صاحب‌نظران بعدی قرار گرفت و مبنایی برای طرح نظریه‌های مشارکت شد. ارنشتاین، مشارکت شهروندی را با تعبیر **قدرت شهروندی** به کار گرفت و برای توضیح آن، از استعاره‌ی **نردبان مشارکت** استفاده کرد.

نردبان مشارکت ارنشتاین دارای پله‌های زیر است:

۸) اختیار شهروندان	Citizen control	قدرت شهروندان
۷) قدرت تفویض شده	Delegated power	
۶) شراکت	Partnership	
۵) تسکین بخشیدن	Placation	
۴) مشاوره	Consultation	مشارکت جزئی
۳) اطلاع‌رسانی	Informing	
۲) درمان	Therapy	محرومیت از مشارکت
۱) دستکاری و عوام‌فریبی	Manipulation	

مأخذ: اوست هویی زن، ۱۳۷۷، ۹۷.

در پایین‌ترین سطح نردبان ارنشتاین هیچ قدرتی برای شهروندان وجود ندارد. به عبارت دیگر، **عدم مشارکت** در دو رده، خود را نشان می‌دهد که وی آن‌ها را دستکاری و درمان می‌نامد. به‌نظر ارنشتاین **دستکاری** به این معنا است که بعضی سازمان‌های دولتی، شکل‌های ساختگی از مشارکت را تدارک دیده‌اند که هدف واقعی آن‌ها، آموزش شهروندان برای قبول کارهایی است که از قبل

محلی باشد؛

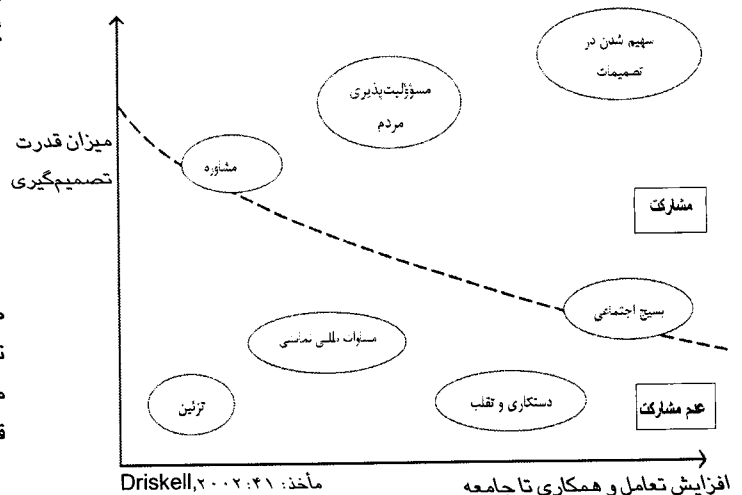
ب) مردمی که در محدوده‌ی مورد برنامه‌ریزی زندگی می‌کنند، دقیق‌ترین اطلاعات را درباره‌ی آن محدوده و موضوعات مرتبط با آن دارند؛

پ) مردمی که بیشترین تأثیرات را از تصمیمات می‌پذیرند، سهم بیشتری برای مشارکت در روند تصمیم‌گیری دارند<sup>۶</sup> (Driskell, 2002, 32)

#### ۱-۴-۱) اشکال مختلف مشارکت مردم

از نظر دریسکل اشکال مختلفی از مشارکت وجود دارد که در دو دسته‌ی کلی تر "مشارکت" و "عدم مشارکت" جای می‌گیرد. دریسکل انواع مشارکت را در یک نمودار دو بعدی و برحسب میزان اختیار در تصمیم‌گیری به شکل فوق نشان می‌دهد.

نمودار ۲: انواع مشارکت و عدم مشارکت از نظر دریسکل



بر اساس نمودار ۲ می‌توان قلمرو مشارکت و عدم مشارکت را از هم جدا کرد.

#### ۱-۴-۱) اشکال عدم مشارکت<sup>۷</sup>: (Forms of non-participation)

۱. **دستکاری و تقلب (Manipulation & Deception)**. وقتی اتفاق می‌افتد که از نیروی کار و منابع مردم محلی، برای رسیدن به اهداف طرح استفاده می‌شود، بدون این که قدرت تصمیم‌گیری و دخالت مؤثر به آنها اعطا شود (ibid,41).

۲. **تزیین (Decoration)**. وقتی است که از افراد، خواسته می‌شود کاری را انجام دهند، بدون این که هدف آن کار را بدانند. نمونه عملی مشارکت تزیینی وقتی است که از عده‌ای که از محتوای یک سخنرانی یا سمینار هیچ اطلاعی ندارند، خواسته شود برای پرکردن سالن و مهم جلوه دادن جلسه، در آن شرکت کنند.

۳. **مساوات طلبی نمایشی (Tokenism)**. وقتی است که افراد، ظاهراً در کارها، مشارکت داده شده‌اند ولی در واقع، اختیاری درباره‌ی موضوع و روند کارها ندارند (ibid,41). نمونه‌ی مساوات طلبی نمایشی وقتی است که یکی از اهالی توسط مدیران طرح انتخاب شود تا به عنوان نماینده‌ی مردم در جلسات شرکت کند؛ در حالی که او توسط اهالی انتخاب نشده و معلوم نیست که آن‌ها را به اندازه‌ی کافی بشناسد و بتواند نظر اهالی را منتقل کند.

#### ۱-۴-۲) اشکال مشارکت: (Forms of participation)

۱. **مشاوره (Consultation)**. وقتی است که مسئولین یا برنامه‌ریزان، نظرات مردم را جویا می‌شوند و به نظرات آنها به طور جدی در تصمیم‌گیری‌ها توجه می‌شود. مشاوره بسته به این که چگونه انجام گیرد، می‌تواند در حوزه‌ی قلمرو مشارکت یا عدم مشارکت قرار گیرد (ibid,41).

۲. **بسیج اجتماعی (Social Mobilization)**. وقتی است که از مردم خواسته می‌شود در برنامه‌ای که از قبل تدارک دیده شده شرکت کنند. برخی اوقات، بسیج اجتماعی به حوزه‌ی عدم مشارکت و گاهی اوقات هم به حوزه‌ی مشارکت، کشانده می‌شود. اگر مردم ندانند که مشغول چه کاری هستند و چرا این کار را انجام می‌دهند و فرصت کمی برای تأثیرگذاری بر روند طرح و نتایج آن داشته باشند، بسیج اجتماعی در قلمرو عدم مشارکت، قرار می‌گیرد. بسیج اجتماعی می‌تواند به مشارکتی معنادار تبدیل گردد؛ به شرطی که:

الف) مردم به اندازه‌ی کافی نسبت به کاری که انجام می‌دهند، اطلاعات داشته باشند؛

ب) مشارکت، کاملاً داوطلبانه و اختیاری باشد؛

پ) آراء و نظرات مردم بر تصمیمات و نتایج طرح تأثیر بگذارد (ibid,42).

۳. **مسئولیت‌پذیری مردم (People in charge)**<sup>۸</sup>. وقتی صورت می‌گیرد که شهروندان، فعالیت را آغاز می‌کنند، خود، تصمیمات را اتخاذ کرده و نهایتاً محصول نهایی کار را تعیین می‌کنند. سطح تعامل با دیگر افراد جامعه، نسبتاً پایین است؛ اما قدرت تصمیم‌گیری، بالاست (ibid,42).

۴. **سهیم شدن در تصمیمات (Shared decision-making)**. وقتی است که همه‌ی اعضای جامعه، بدون در نظر گرفتن سن و سوابقشان، فرصت می‌یابند تا در روند امور شرکت کنند و سهم برابری برای تأثیرگذاری بر تصمیمات داشته باشند. مهم این نیست که طرح توسط دولت یا مردم آغاز شده باشد؛ بلکه آن چه اهمیت دارد این است که متصدیان طرح، اهمیت جلب همکاری و مشارکت سایر اعضای جامعه، در جریان برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، را درک نمایند (ibid,42).

#### ۱-۵) نظریه میانجی‌گری (۲۰۰۴)<sup>۹</sup>

این نظریه در تحقیقی که به سفارش دفتر معاون نخست‌وزیر بریتانیا انجام شده مطرح گردیده است<sup>۱۰</sup> و حاوی مباحث عمیق و در عین حال کاربردی در زمینه‌ی برنامه‌ریزی مشارکتی است و در این رابطه، راهبرد میانجی‌گری را برای به حداکثر رساندن مشارکت پیشنهاد می‌کند.

در تحقیق مزبور بر تدقیق مفهوم برنامه‌ریزی مشارکتی و مشخص کردن مرز آن با مفاهیم مشابه؛ از جمله مشارکت عمومی و مشاوره عمومی تأکید شده است. این تحقیق معتقد است: آن چه تا کنون وجود داشته، مشارکت عمومی بوده و نه برنامه‌ریزی مشارکتی.

### ۱-۵-۱) تعریف برنامه‌ریزی مشارکتی

از نظر مطالعه فوق، **برنامه‌ریزی مشارکتی (Participatory planning)** چنین تعریف می‌شود:

برنامه‌ریزی مشارکتی، مجموعه‌ای از فرایندهایی است که از طریق آن، گروه‌ها و تمایلات متنوع با هم تعامل می‌کنند، تا برای تهیه یک برنامه و نحوه‌ی انجام آن به توافق برسند. برنامه‌ریزی مشارکتی می‌تواند توسط هر یک از طرفین آغاز شود. چگونگی برنامه‌ریزی مشارکتی و جداول زمانی مربوطه باید در جریان مذاکره مورد توافق کلیه افراد و گروه‌ها قرارگیرد.

#### برنامه‌ریزی مشارکتی بر اصول ذیل مبتنی است:

- جامعه متکثر است
- در جامعه بین منافع افراد تضادهای مشروعی وجود دارد
- قدرتمندی فرد یا گروهی نباید منجر به تحمیل نظر آنها بر سایرین گردد
- طرف‌های درگیر، باید برای تکمیل اطلاعات یکدیگر به تبادل اطلاعات با هم پرداخته و از این طریق بکوشند با دیدگاه‌های یکدیگر آشنا شده و تعارضات را کاهش دهند
- هیچ فرد یا گروهی در جریان دستیابی به توافق نباید کنار گذاشته شود.

### ۱-۵-۲) طیف برنامه‌ریزی مشارکتی

مطالعه‌ی مزبور، طیفی از برنامه‌ریزی مشارکتی ارائه می‌دهد که عناصر آن عبارتند از:

- **تعهد (Engagement)** ورود به فرایند مشورتی گفتگو با سایرین، توجه و گوش دادن فعال، به نظرات، اطلاعات و دیدگاه‌های آنان در زمانی که به روشنی عدم تعادل قدرت میان طرفین، وجود دارد. به خلاف میانجی‌گری و مذاکره، تعهد (جذب و متعهد کردن افراد به فرایند مشارکت) می‌تواند بدون این‌که اختلافی برای حل کردن وجود داشته باشد نیز انجام شود. تعهد وسیله‌ای برای شناسایی و روشن کردن اختلافات از طریق گوش دادن به منافع مختلف است.
- **تعهد معمولاً** اما نه لزوماً توسط مراجع برنامه‌ریز آغاز می‌شود. نسبت به تنوع نیازها، ضرورت توجه به تفاوت‌ها و این که در کجا، توافقات، حاصل می‌شود حساس است.
- **مذاکره (Negotiation)**: فرایند رسیدن به توافق از طریق تبادل نظرات و اطلاعات، چانه‌زنی و مصالحه بین دو یا چند طرف که دارای برخی منافع مشترک و برخی اختلاف منافع هستند، می‌باشد. مذاکره می‌تواند بخشی از فرایند میانجی‌گری نیز باشد؛ اما همچنین می‌تواند خارج از حیطه‌ی میانجی‌گری‌های رسمی و بدون کمک افراد بی‌طرف صورت پذیرد. **مذاکره معمولاً** بین طرف‌های ذینفع یا بین برنامه‌ریزان و سایر طرف‌ها صورت می‌گیرد.
- **پیش میانجی‌گری (Pre-mediation)** فرایندی است که طی آن مرجع برنامه‌ریز (Planning authority) از طریق گوش دادن به سخن‌همه‌ی بهره‌وران، کمک به تشخیص تضادهای بالقوه به منظور حل اختلافات و رسیدن به توافق برای تدوین یک برنامه، به عنوان میانجی، عمل می‌کند.

**پیش میانجی‌گری** در مواقعی که تعارضات بالقوه‌ای وجود دارد، به کار می‌رود. نمایندگان مراجع برنامه‌ریز، به عنوان میانجی‌گران بی‌طرف (و/یا غیررسمی) بین دو یا چند طرف فرایند برنامه‌ریزی عمل می‌کنند.

● **میانجی‌گری (Mediation)** فرایند حل اختلاف به صورت داوطلبانه، غیر اجباری و بدون تعصب، توسط افراد بی‌طرف، که به طرفین یاری می‌رسانند تا در جریان مذاکره به توافق برسند.

**میانجی‌گری** در مواردی که تعارضاتی وجود دارد که برنامه‌ریزان یا هیچیک از طرف‌ها به تنهایی قادر به حل آن نیستند، به کار می‌آید و توسط یک طرف سوم انجام می‌پذیرد. موارد فوق به عنوان مرحله در نظر گرفته نمی‌شود. ممکن است یک ترتیب خطی از تعهد به میانجی‌گری وجود داشته باشد؛ اما این ترتیب، الزامی نیست.

۱-۵-۳) **تفاوت برنامه‌ریزی مشارکتی با مفاهیم مشابه**، آن‌چه در مطالعه مذکور به آن تأکید فراوانی شده است، تفاوت قائل شدن میان **مشارکت عمومی (Public participation)**، **مشاوره عمومی (Public consultation)** با **برنامه‌ریزی مشارکتی (Participatory planning)**، می‌باشد. تعریف سایر مفاهیم در این مطالعه به این شکل آمده است:

"**مشارکت عمومی** فرایندی است که توسط برنامه‌ریزان هدایت می‌شود. برنامه‌ریزان می‌کوشند از طریق پیش‌بینی و برآورد نیازهای عموم مردم و تلفیق آنها، جهت تدوین یک برنامه‌ی متناسب با نیازها به طرحی سازگار با سیاست‌های ملی برسند. مشارکت، توسط برنامه‌ریزان طراحی و اجرا می‌شود. مشارکت عمومی، شامل طی مراحل مشخصی برای شناخت موضوعات، و برنامه‌ریزی برای آنها می‌شود. در این شیوه، جریان اطلاعات، عمدتاً از سوی برنامه‌ریزان به سمت مردم است."

"**مشاوره عمومی** فرایندی است که از طریق آن، عموم مردم، از طرحی که توسط دولت یا برنامه‌ریزان تهیه شده، آگاه می‌شوند و سپس دعوت می‌شوند؛ تا نظرات خود را درباره‌ی آن بیان کنند. مشاوره عمومی، معمولاً بخش مهمی از مشارکت عمومی است. مشاوره عمومی، مردم را به شکل منفعل در نظر دارد و از آنها دعوت می‌کند تا نظر خود را درباره‌ی طرحی که از قبل تدوین شده ابراز دارند."

در جدول صفحه‌ی بعد به مقایسه دو مفهوم مهم در زمینه‌ی مشارکت شهروندان، یعنی مشارکت عمومی و برنامه‌ریزی مشارکتی، پرداخته شده است. از دیدگاه مطالعه مزبور تفاوت آشکار و فراوانی بین این دو مفهوم، که تا کنون نسبتاً مترادف با هم تصور می‌شده‌اند وجود دارد.

#### ضرورت استفاده از رویکرد میانجی‌گری در برنامه‌ریزی

مشارکتی به این شرح است:

- وجود برخی تعارضات (disputes) در برنامه‌ها و سیاست‌ها و نیز در مورد برخی موضوعات.
- ظهور منافع متضاد یا متنوع در مورد موضوع، مکان یا منابع خاص.

بر اساس آن می‌توان انواع مشارکت را از هم متمایز کرد، مشخص گردد. در انتخاب این معیارها، هم نظریه‌های و هم ویژگی‌های ایران مد نظر بوده است و سعی شده این معیارها، به گونه‌ای انتخاب شوند که تمامی وجوه شهرسازی مشارکتی را در برگیرند؛ هم وجه فکری و فلسفی، هم وجه برنامه‌ریزی و هم وجه مدیریت اجرایی.

## ۲-۱) معیارهای دسته‌بندی نظریه‌ها

معیارهای موردنظر براساس ۳ وجه فکری و فلسفی، وجه برنامه‌ریزی و وجه مدیریتی گرفته شده است که به شرح زیر می‌باشد:

۱. **نیت اصلی و واقعی برنامه‌ریزان:** مشارکت واقعی وقتی میسر است که برنامه‌ریزان و مدیران، اعتقاد درونی و جدی به مشارکت شهروندان داشته باشند. یکی از تفاوت‌های مهم بین سطوح مختلف مشارکت همین تفاوت نیت برنامه‌ریزان در برخورد با مشارکت است. در مشارکت‌های سطحی، نیت اصلی برنامه‌ریزان از طرح مقوله مشارکت، مشروعیت بخشی به طرح‌هاست، نه تأمین منافع شهروندان و پایداری محیطی.

۲. **دامنه‌ی مشارکت:** به این معنی که قرار است مردم تا کجا مشارکت کنند و در چه زمینه‌هایی حق اظهار نظر دارند. انواع و سطوح مختلف مشارکت از این جهت با هم کاملاً متفاوتند. هر چه که بیشتر، اختیار تصمیم‌گیری به شهروندان واگذار شود، به مشارکت واقعی نزدیک‌تر خواهیم شد. در مشارکت‌های سطحی، تنها مشارکت در حوزه اجرایی و تأمین سرمایه مورد نیاز برای اجرای طرح مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

۳. **نگاه به مشارکت:** انواع مشارکت از نظر این که مشارکت را به عنوان هدف یا وسیله، در نظر می‌گیرند با هم متفاوتند. اگر مشارکت، خود فی‌نفسه به عنوان هدف در نظر گرفته شود، به مشارکت واقعی نزدیک‌تر می‌شویم. در مشارکت‌های سطحی، مشارکت به عنوان وسیله‌ای مناسب برای تسهیل اجرای طرح در نظر گرفته می‌شود.

۴. **نظرخواهی از شهروندان:** سطوح مختلف مشارکت از این جهت نیز با هم متفاوتند. هر چه نظرخواهی جدی‌تر و جامع‌تری از شهروندان صورت گیرد، به مشارکت واقعی نزدیک‌تر می‌شویم.

۵. **حق اعتراض به طرح:** داشتن حق اعتراض به طرح به همراه مکانیسم‌های اعمال این اعتراضات در طرح- به گونه‌ای که منافع عموم تأمین گردد- از ابزارهای مناسب برای سنجش میزان واقعی مشارکت مردم است. در یک طرح مشارکتی واقعی، همه بهره‌وران حق اعتراض به طرح و ارائه نظریه‌های و پیشنهادات جایگزین دارند.

۶. **نظارت شهروندان:** در سطوح مختلف مشارکت، درجات متفاوتی از نظارت وجود دارد. هرچه که نظارت بیشتر و جامع‌تری از جانب مردم در تمام مراحل تهیه و اجرای طرح وجود داشته باشد، به مشارکت واقعی نزدیک‌تر می‌شویم.

۷. **جریان اطلاعات:** جهت جریان اطلاعات (یکسویه یا دوسویه

چارچوب مبهم و پیچیده‌ی اختیارات در رابطه با برنامه‌ریزی و حل اختلافات، در زمانی که بیش از یک ارگان دولتی در موضوع مورد بررسی، منافع یا داعیه‌هایی دارند.

• **تقاضاهای قانونی برای بهره‌گیری از میانجی‌گری و اشکال جدید برنامه‌ریزی.**

• **در گذشته، هر کجا که از مشارکت در برنامه‌ریزی استفاده شده، نتایج موفقیت‌آمیزی داشته است.**

**حرکت از مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی؛ که توسط شورا، هدایت می‌شود و عمدتاً مبتنی بر اطلاع‌رسانی درباره‌ی برنامه‌های شورا است، به سوی برنامه‌ریزی مشارکتی که مبتنی بر اصول اساسی میانجی‌گری است، یک ضرورت محسوب می‌گردد.**

## نمودار ۳: مشارکت عمومی و برنامه‌ریزی مشارکتی در نظریه میانجی‌گری

نوع مشارکت	مشارکت عمومی (Public participation)	برنامه‌ریزی مشارکتی (Participatory planning)
روابط بین شورا و عموم مردم	شورا می‌کوشد منافع عمومی جامعه را در طرح‌ها لحاظ کند. مردم باید از چند و چون طرح آگاه شوند و فرصت داشته باشند تا به بیان نظرات خود بپردازند.	شورا باید در جریان تهیه طرح، با اجتماعات کوچک محلی زیادی ارتباط برقرار نماید. موضوعات منقشه‌نگار باید مورد مذاکره قرار گیرد و در جاهایی که لازم باشد، بین گروه‌های ذینفع میانجی‌گری صورت گیرد.
برنامه‌ها (The plans)	طرح‌ها و اسناد توسط شورا در چارچوب برنامه‌های ملی [بالادست] تهیه می‌شود. از این رو قبلاً بسیاری از تضاهای حل شده است. اعضای شورا احتمالاً تنها نیازمند آن هستند که به ایجاد هماهنگی نهایی- و نه اقدامی بنیادی در از میان بردن تضاهای- بپردازند.	بهره‌وران، نیازها و اولویت‌های خود را می‌شناسند. برنامه‌ریزان نیازمند شنیدن نظرات آن‌ها هستند نه این که از قبل بر این تصور باشند که به علت برنامه‌ریزی بودن، نیازهای دیگران را می‌دانند.
مهارت‌ها (Skills)	مهارت در تهیه برنامه‌ها و سیاست‌هایی که راهنمایی‌های کلی ملی را در نظر دارد و سپس هماهنگ کردن آن در پرتو جریان اطلاع‌رسانی از طریق فرایند مشاوره.	مهارت در برقراری ارتباط با گروه‌های متنوع، گوش فرادادن به بیان آن‌ها از نیازها و اولویت‌ها؛ بیان و مقیسه‌ی روشن و منظم نیازها و اولویت‌های گروه‌های مختلف ذینفع در برنامه؛ برقراری هماهنگی از طریق مذاکره و شناخت طرفین؛ جلب اعتماد گروه‌های مختلف.
رهبری با کیست؟ (Who lead?)	برنامه‌ریزان حرفه‌ای جریان مشاوره را هدایت می‌کنند و نظرات را جمع‌آوری، تحلیل، جمع‌بندی و ارائه می‌کنند.	میانجی‌گران بی‌طرف یا برنامه‌ریزان، هدایت جریان را به عهده دارند. اما بسیاری طرف‌ها نیز در این بین نقش دارند. همچنین برنامه‌ریزان می‌توانند توسط شورا استخدام شده‌اند نیز در این جریان موثرند.
چه کسانی مشارکت می‌کنند؟ (Who participate?)	همه، فرصت یکسانی برای مشارکت دارند. با این حال، مشارکت کنندگان، بیشتر شامل گروه‌های مطلع هستند که الزاماً نماینده‌ی تفکر عموم نیستند.	تلاش ویژه‌ای باید صورت گیرد تا گروه‌های حاشیایی که به طور معمول از روند برنامه‌ها کنتر کنند، شناسانده شوند. به بازی گرفته شوند.

مأخذ: [www.odpm.gov.uk/stellent/groups/odpm-planning/documents/pdf](http://www.odpm.gov.uk/stellent/groups/odpm-planning/documents/pdf)

## ۲) انگاره تلفیقی شهرسازی مشارکتی

نظریه‌های فوق که از مهم‌ترین نظریه‌های موجود در حوزه ادبیات نظری شهرسازی مشارکتی است، عمدتاً با توجه به شرایط کشورهای پیشرو در مقوله مشارکت، مطرح شده است. حال این سؤال مطرح می‌گردد که "با توجه به شرایط ایران، چگونه می‌توان از این نظریه‌های، استفاده کرد؟" در واقع باید این نظریه‌های به گونه‌ای تحلیل گردند که با شرایط ایران هماهنگ بوده و بتواند وضعیت موجود شهرسازی مشارکتی در ایران را تبیین کند. بنابراین نیاز به انگاره‌ای که حاصل تلفیق نظریه‌های شهرسازی مشارکتی و شرایط ایران، باشد وجود دارد. برای رسیدن به انگاره فوق، لازم است ابتدا معیارهایی که

**ثانیاً)** همین که مشارکت، به شکل شعاری مقبول و پسندیده مطرح می‌شود نشانگر آن است که مشارکت، به عنوان یک ارزش اجتماعی مورد قبول قرار گرفته است و در صورت توجه بیشتر، این ارزش می‌تواند درونی شود و مقدمات مشارکت محدود و واقعی را فراهم آورد.

از این رو باید به مشارکت شعاری به عنوان مقدمه‌ای برای ورود به عرصه‌ی مشارکت واقعی نگریست و آن را به طور کلی مردود ندانست. گذر از مرحله‌ی مشارکت شعاری در جوامع در حال توسعه ضروری به نظر می‌آید؛ اما نباید در آن متوقف ماند.

### ۲-۲-۲) مشارکت محدود

نیّت اصلی، تأمین منافع مردم تا جایی است که با منافع دولت و مراجع برنامه‌ریزی تضاد پیدا نکند. سهمی از تصمیم‌گیری و هدف‌گذاری واگذار نمی‌شود. مردم حق اظهارنظر و مخالفت دارند؛ اما نمی‌توانند بر اجرای نظراتشان، نظارت داشته باشند و اعمال خواسته‌های خود را پیگیری نمایند.

**مشارکت**، ابزاری برای بهبود کیفیت طرح‌ها قلمداد می‌شود. جریان اطلاعات، عمدتاً از پایین به بالاست؛ یعنی اطلاعات، از طرف مردم به برنامه‌ریزان منتقل می‌شود. دامنه‌ی مشارکت، محدود است و به مشارکت در تأمین اعتبار مالی طرح‌ها و نظرخواهی از مردم برای بعضی موارد برنامه‌ریزی منحصر می‌شود. پشتوانه‌ی فکری و فلسفی این نوع مشارکت، دیدگاه‌های کارکردگرایانه و فن‌سالارانه است.

### ۲-۲-۳) مشارکت واقعی

نیّت اصلی، تأمین حداکثر منافع مردم و جلب رضایت عموم است. هزینه‌های این امر، توسط دولت یا سازمان پشتیبان طرح، تأمین می‌شود. شهروندان در تصمیم‌گیری و هدف‌گذاری مشارکت می‌کنند. علاوه بر این که شهروندان، حق اظهار نظر دارند، حق اعتراض و مخالفت با طرح و حق نظارت بر اجرای خواسته‌هایشان را نیز دارند.

مشارکت، علاوه بر آن که ابزاری برای بهبود کیفیت طرح‌ها قلمداد می‌شود، به عنوان هدف نیز تلقی می‌شود و موجب رشد فکری، اجتماعی و مدنی شهروندان می‌گردد. جریان اطلاعات، دوسویه و بسیار فعال است و مراجع برنامه‌ریزی و مردم، هر دو، اطلاعاتشان را در اختیار هم می‌گذارند. پشتوانه‌ی فکری این‌گونه از مشارکت، دیدگاه‌های مردم‌سالاری لیبرال و مشارکت مستقیم (نه صرفاً مشارکت نمایندگان) است.

در نمودار ۵ ویژگی‌های هر یک از انواع سه‌گانه مشارکت، با توجه به ۸ معیار مذکور، نشان داده شده است.

### ۳) ارزیابی نظریه‌های شهرسازی مشارکتی

بر اساس انگاره تلفیقی ارائه شده که مبتنی بر تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ی از نظریه‌های شهرسازی مشارکتی است، می‌توان نظریه‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه کرده و جایگاه اجزای هر نظریه را طبق نمودار ۶ مشخص کرد.

بودن آن) و شدت این جریان (میزان و اهمیت اطلاعات رد و بدل شده) عامل مهمی در تشخیص میزان و نوع مشارکت می‌باشد. هر چه جهت جریان اطلاعات بیشتر دوسویه باشد و میزان اطلاعات تبادل شده بیشتر باشد، به مشارکت واقعی نزدیک‌تر می‌شویم.

۸. **پشتوانه فکری و فلسفی:** مشارکت، امری خلق‌الساعه نیست بلکه مبتنی بر دیدگاه‌های کهن فلسفی است. هر یک از سطوح مشارکت مبتنی بر سنت‌های ریشه‌دار فلسفی و سیاسی است. از این نظر نیز می‌توان دسته‌های مختلف مشارکت را از هم متمایز کرد.

معیارهای نیّت اصلی برنامه‌ریزان، نگاه به مشارکت و پشتوانه فکری، وجه فکری و فلسفی مفهوم مشارکت را پوشش می‌دهند، معیارهای دامنه مشارکت، نظرخواهی از شهروندان و جریان اطلاعات، وجه برنامه‌ریزی مفهوم مشارکت را در نظر دارند و معیارهای نظارت شهروندان و حق اعتراض به طرح، ناظر بر وجه مدیریتی مشارکت است.

### ۲-۲) دسته‌بندی نظریه‌های با توجه به شرایط ایران

با توجه به معیارهای فوق، می‌توان نظریه‌های مشارکت را با توجه به شرایط ایران به سه دسته تقسیم نمود:

۱) مشارکت شعاری (۲) مشارکت محدود (۳) مشارکت واقعی

### ۲-۲-۱) مشارکت شعاری

در واقع، مشارکت محسوب نمی‌شود؛ بلکه ادعای داشتن مشارکت است. نیّت اصلی، نه تأمین منافع مردم، بلکه تأمین منافع مراجع برنامه‌ریزی است. علت اصلی توسّل به مشارکت، کسب مشروعیت برای طرح و کاهش مقاومت مردم در مقابل آن و در نتیجه، سهولت اجرای طرح است. هیچ سهمی از اختیارات تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری به مردم واگذار نمی‌شود. کمترین اطلاعات ممکن درباره‌ی طرح به مردم داده می‌شود و اطلاعاتی هم که منتشر می‌شود، تنها دربردارنده‌ی قوت‌ها و آثار مثبت طرح است و از اثرات منفی طرح سخنی به میان نمی‌آید و اساساً، وجود هرگونه آثار منفی در طرح نفی می‌گردد.

پشتوانه‌ی فکری و فلسفی این دیدگاه، دیدگاه مطلق‌گرایانه است. در این تفکر، مردم، صاحب حق شمرده نمی‌شوند. دامنه‌ی امکان مشارکت مردم بسیار تنگ است و در بهترین حالت تنها به شرکت در تأمین اعتبار مالی طرح محدود می‌شود. تنها جنبه‌ی مشارکتی شعار مشارکت، سهم شدن شهروندان در سود احتمالی ناشی از اجرای طرح در آینده است؛ آن هم تنها در صورتی که امکان مشارکت در تأمین مالی طرح به آن‌ها داده شود.

هرچند مشارکت شعاری، واقعاً مشارکت نیست؛ بلکه تظاهر به مشارکت و مشارکتی صوری و منفعل است، اما توسّل به شعار مشارکت در یک جامعه، خود قدمی به جلو است؛ زیرا: اولاً) مشارکت در بیان و نظر، تأیید می‌شود و بهتر از نبود مشارکت حتی در سخن گفتن اظهار نظر کردن است.

## نمودار ۵: انگاره تلفیقی شهرسازی مشارکتی

بوع مشارکت مشارکت‌های	مشارکت شعاری	مشارکت محدود	مشارکت واقعی
۱) نیت اصلی برنامه‌ریزان	تأمین منافع مراجع برنامه‌ریزی و دولت	تأمین منافع شهروندان تا جایی که، منافع مراجع برنامه‌ریزی و دولت تهدید نگردد.	تأمین منافع شهروندان و پرداخت هزینه های آن
۲) دامنهی مشارکت	تأمین اعتبار مالی طرح و سهیم شدن در سود آن (در بهترین حالت)	مشارکت در اجرا و تأمین مالی + مشارکت محدود در برنامه‌ریزی	مشارکت در اجرا + مشارکت در برنامه‌ریزی + مشارکت در تصمیم‌گیری و هدف‌گذاری
۳) نگاه به مشارکت	ابزاری جهت مشروعیت بخشی به طرح و کاهش مقاومت‌ها در برابر اجرای آن	ابزاری برای ارتقاء کیفیت طرح‌ها	خود مشارکت، هدف است؛ زیرا که فرایند مشارکت، فی‌نفسه موجب رشد فکری، روانی، اجتماعی و مدنی شهروندان، می‌گردد
۴) نظر خواهی از شهروندان	صورت نمی‌گیرد	صورت می‌گیرد	صورت می‌گیرد
۵) حق اعتراض به طرح	وجود ندارد	وجود دارد	وجود دارد
۶) نظرات شهروندان	وجود ندارد	وجود ندارد	وجود دارد
۷) جریان اطلاعات	یکسویه (از پایین به بالا) و بسیار محدود؛ به ندرت از بالا به پایین	عمدتاً یکسویه (از پایین به بالا) و نسبتاً قوی؛ گاهی از بالا به پایین	دوسویه و بسیار فعال
۸) پشتوانهی فکری	دیدگاه مطلق‌گرایانه (مردم صاحب حق شمرده نمی‌شوند)	دیدگاه کنارگرایانه و فن‌سالارانه (مردم حق اظهار نظر دارند، اما تصمیم‌گیری نهایی با برنامه‌ریزان است).	دیدگاه مردم‌سالارانه و مشارکت مستقیم (نظرات، علایق و منافع تمامی شهروندان محور امور است و باید به هر قیمتی منافع و نظرات آنها تأمین شود).

مأخذ: هادی سعیدی رضوانی (۱۳۸۲)

## نمودار ۶: ارزیابی نظریه‌های شهرسازی مشارکتی بر حسب انگاره تلفیقی

مشارکت شعاری	مشارکت محدود	مشارکت واقعی	
• دستکاری • درمان	• اطلاع‌رسانی • مشاوره • تسکین بخشی	• شراکت • قدرت تفویض شده • اختیار شهروندان	۱) نردبان مشارکت ارنشتاین
• مشارکت هدایت شده	• مشارکت فزاینده	• مشارکت واقعی	۲) میجلی
	• اطلاع‌رسانی • مشاوره	• مشارکت • توانمندسازی	۳) گردونه مشارکت دیویدسون
• مشارکت تزئینی • دستکاری • مساوات طلبی نمایشی	• مشاوره • بسیج اجتماعی	• مسؤولیت‌پذیری مردم • سهیم شدن در تصمیم‌گیری	۴) دریسکل
	• مشارکت عمومی	• برنامه‌ریزی مشارکتی (از طریق روند تمهد، مذاکره، پیش‌میانجی‌گری و میانجی‌گری)	۵) میانجی‌گری



## نتیجه گیری

بایستی موقعیت شهرسازی کشور را بر حسب معیارهای هشتگانه تعیین نماییم، این کار خود، نیازمند تحقیقی مستقل و انجام مطالعه موردی برای هر یک از طرح‌هاست و تا وقتی که این مطالعه موردی صورت نگیرد نمی‌توان به طور قطعی در مورد این امر داوری کرد؛ اما از آنجا که این کار خارج از چارچوب مقاله حاضر است، اگر کلیت طرح‌هایی که با عنوان مشارکتی در کشور مطرح می‌گردد را در نظر بگیریم می‌توان به طور مقدماتی دریافت که در این طرح‌ها، نیت اصلی برنامه‌ریزان، عمدتاً تأمین منافع برنامه‌ریزان و کارفرمایان است؛ دامنه مشارکت، تأمین اعتبار مالی طرح‌ها و نگاه به مشارکت عموماً به عنوان ابزاری جهت مشروعیت‌بخشی به طرح‌هاست. **نظرخواهی از شهروندان** صورت نمی‌گیرد، **حق اعتراض به طرح** و نظارت شهروندان وجود ندارد و **جریان اطلاعات** عمدتاً یکسویه است و **پشتوانه فکری** غالب نیز در بهترین حالت، دیدگاه کارکردگرایانه می‌باشد. به این ترتیب طرح‌های مشارکتی شهرسازی ایران، در ۷ معیار از ۸ معیار ارزیابی، منطبق با ویژگی‌های **مشارکت شعاری** هستند و تنها در یک مورد با شرایط مشارکت محدود مطابقت دارند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که شهرسازی ایران در مواردی که داعیه مشارکتی بودن دارد، کاملاً منطبق با شرایط مشارکت شعاری است و هنوز با اولین مراحل مشارکت واقعی فاصله زیادی دارد.

البته همان‌طور که قبلاً نیز بیان شد، قراردادن در مرحله مشارکت شعاری، امری مذموم نیست، بلکه توقف در آن، نامطلوب است. برای رسیدن به مشارکت محدود و نهایتاً مشارکت واقعی، گذر از مشارکت شعاری ضروری است و باید این مرحله را طی کرد، اما آنچه که در بسیاری طرح‌های شهرسازی مشارکتی ایران دیده می‌شود و همه‌گیری آن بسیار مضر بوده و می‌تواند کل فرایند شهرسازی مشارکتی در کشور را به مسیری معکوس و ناخواسته منحرف سازد، جا زدن مشارکت شعاری به عنوان مشارکت واقعی و در نظر نگرفتن مشارکت شعاری به عنوان مرحله‌ای برای گذار است؛ امری که روزبه‌روز در حال افزایش است.

با بررسی نظریه‌های شهرسازی مشارکتی و تلفیق آن با شرایط ایران، انگاره‌ای تلفیقی ارائه گردید که هم قابلیت ارزیابی نظریه‌های موجود شهرسازی مشارکتی و هم قابلیت تبیین شرایط ایران را داراست. در این انگاره، مفهوم مشارکت، در قالب دسته‌بندی سه‌گانه‌ای با عناوین مشارکت شعاری، مشارکت محدود و مشارکت واقعی ارائه شده است. معیارهایی که بر اساس آنها این ۳ دسته از مشارکت از هم متمایز گردیده‌اند به شرح زیر است:

۱) نیت اصلی برنامه‌ریزان (۲) دامنه‌ی مشارکت (۳) نگاه به مشارکت (۴) نظرخواهی از شهروندان (۵) حق اعتراض به طرح (۶) نظارت شهروندان (۷) جریان اطلاعات (۸) پشتوانه‌ی فکری و فلسفی

این معیارهای هشتگانه، خود ناظر بر ۳ وجه مشارکت است. معیارهای نیت اصلی برنامه‌ریزان، نگاه به مشارکت و پشتوانه فکری، **وجه فکری و فلسفی** مفهوم مشارکت را پوشش می‌دهند، معیارهای دامنه مشارکت، نظرخواهی از شهروندان و جریان اطلاعات، **وجه برنامه‌ریزی** مفهوم مشارکت را در نظر دارند و معیارهای نظارت شهروندان و حق اعتراض به طرح، ناظر بر **وجه مدیریتی** مشارکت هستند.

در ارزیابی نظریه‌های مشارکت با توجه به انگاره تلفیقی ارائه شده، معلوم گردید که نظریه ارنشتاین و دریسکل کاملترین بیان از سطوح مختلف مشارکت را مطرح کرده‌اند، به نحوی که نظریه آنها به روشنی سطوح مختلف هر سه دسته‌ی مشارکت، از مشارکت شعاری تا مشارکت واقعی را در بر می‌گیرند. در نظریه میانجی‌گری با اشاره‌ای به انواع قدیمی مشارکت، همچون مشارکت عمومی و مشاوره عمومی، به ارائه تعریفی جدید از برنامه‌ریزی مشارکتی، مبتنی بر اصول میانجی‌گری پرداخته می‌شود به گونه‌ای که در این بیان جدید از برنامه‌ریزی مشارکتی، مشارکت واقعی مجال ظهور می‌یابد. در واقع، برنامه‌ریزی مشارکتی، آن‌گونه که در نظریه میانجی‌گری آمده است، راهنمایی برای نیل به مشارکت واقعی می‌باشد.

اگر بخواهیم جایگاه **فعلی شهرسازی ایران** را با توجه به انگاره تلفیقی ارائه شده در میان ۳ دسته مشارکت مشخص کنیم،

**پی‌نوشت‌ها:**

- ۱ Skeffington stakeholders  
۲ رک. به: [www.worldbank.org/wbi/sourcebook](http://www.worldbank.org/wbi/sourcebook)  
۳ رک. به: Arnstein, Sherry (1996), A Ladder of Citizen Participation, (second edition), edited by Richard T. Gates and Fredric Stout, Routledge Press.  
۴ رک. به: Arnstein, Sherry (1969), Ladder of Citizen Participation, Journal of Planning Association, No.35.  
۵ مشخصات اولین انتشار مقاله‌ی ارتشتاین به این شرح است:  
۶ رک. به: Driskell, David (2002), Creating Better Cities with Children and Youth (A manual for participation), Unesco publishing and Earthscan publication ltd.  
۷ با توجه به این که اثر در اسکال مربوط به مشارکت کودکان و نوجوانان است، نحوه بیان وی درباره هر کدام از اشکال مشارکت و نام مشارکت، با توجه به موقعیت کودکان و نوجوانان است. توضیحاتی که در این جا آمده است، دقیقا منطبق بر مطالب کتاب وی نیست، بلکه مفهوم آن با توجه به مشارکت شهروندان بیان شده است.  
۸ در منبع اصلی عبارت Children in charge آمده است.  
۹ بنگرید به: [www.odpm.gov.uk/stellent/groups/odpm-planning/documents/pdf](http://www.odpm.gov.uk/stellent/groups/odpm-planning/documents/pdf)  
۱۰ عنوان مطالعه مزبور "برنامه‌ریزی مشارکتی برای جوامع پایدار" می‌باشد که توسط مدرسه‌ی محیط انسان ساخت دانشگاه هریوت وات در ادینبورگ به سفارش دفتر معاون نخست وزیر بریتانیا، در سال ۲۰۰۳ انجام شده و آخرین تغییرات آن در سایت [www.odpm.gov.uk](http://www.odpm.gov.uk) در ۱۷ مارس ۲۰۰۴ صورت گرفته است.

**فهرست منابع:**

- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۲)، "توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران"، نشر نی، تهران.  
اوست هویی زن، اندریاس (۱۳۷۷)، "مشارکت شهروندان در طرح‌ریزی و توسعه نواحی شهری"، ترجمه ناصر برک پور، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۴۸ و ۴۹.  
سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۴)، "شهرسازی مشارکتی برای قلعه آبکوه مشهد"، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، منتشر نشده.  
شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)، "مشارکت شهروندی، حکمروایی شهری و مدیریت شهری"، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۰.  
علوی تبار، علیرضا (۱۳۸۰)، "بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها"، جلد اول، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، تهران.  
مهدیزاده، جواد (۱۳۸۰)، "به سوی شهرسازی دموکراتیک"، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۵، بهار ۱۳۸۰.  
Arnstein, Sherry (1996), A Ladder of Citizen Participation, (second edition), edited by Richard T. Gates and Fredric Stout, Routledge Press.  
Connor, D. (1986), A New Ladder of citizen participation, Constructive Citizen Participation, No.14(2).  
Driskell, David (2002), Creating Better Cities with Children and Youth (A manual for participation), Unesco publishing and Earthscan publication ltd.  
Weidemann, I. and Femers, S. (1993), Public Participation in waste management decisionmaking, Journal of Hazardous Materials, vol.33.  
[www.odpm.gov.uk/stellent/groups/odpm-planning/documents/pdf](http://www.odpm.gov.uk/stellent/groups/odpm-planning/documents/pdf) (accessed: 25.2.2005)  
[www.worldbank.org/wbi/sourcebook](http://www.worldbank.org/wbi/sourcebook) (accessed: 12.2.2005)